

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
The Morphology of Black Tent in Nomads of Southwestern Iran
Case Study: The Nomads of Southern Ilam Province and Northern Khuz-
(estan Province)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

ریخت‌شناسی سیاه‌چادر در عشایر جنوب غرب ایران (مطالعه موردی: عشایر جنوب استان ایلام و شمال استان خوزستان)

ناصر رنجبر^{۱*}، مهنوش محمودی^۲

۱. کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، ایران.

۲. دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۹ تاریخ اصلاح: ۹۸/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۰۲ تاریخ انتشار: ۹۸/۰۱/۰۱

چکیده

سیاه‌چادر، سکونت‌گاهی چهار فصل است که با اندکی تغییرات خود را با فصول و اقلیم مختلف منطقه هماهنگ کرده و در آن علاوه بر رعایت شرایط لازم برای زندگی، به جنبه‌های فرهنگی و هنری نیز توجه شده و نوعی از تکنولوژی بومی اصیل و ابتکار را به نمایش می‌گذارد. بر این اساس، مهمترین سؤال پژوهش این است که تفاوت‌های فرهنگ و اجتماع در بین عشایر کوچ‌رو کرد و بختیاری چه میزان بر ریخت سیاه‌چادر تأثیر گذار بوده است؟ این پژوهش، به منظور شناسایی عوامل به وجود آورنده این واحد سکونتی، وجه اشتراک و تفاوت‌ها در ریخت‌شناسی سیاه‌چادر در بین دو ایل کرد و بختیاری در حوزه جنوب استان ایلام و شمال استان خوزستان و همچنین تأثیر آن بر الگوی مسکن و ساختار معماری انجام می‌گیرد. جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش، براساس مطالعات کتابخانه‌ای و برداشت میدانی بوده و با طبقه‌بندی و تحلیل محتوایی به مقایسه تطبیقی ریخت‌شناسی سیاه‌چادر از منظر فرهنگی می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، ریخت سیاه‌چادر در منطقه مورد مطالعه تحت تأثیر عوامل اقلیمی، مهمان‌نوازی، مراسم شادی، حفاظت و امنیت، هنر و زیبایی بوده است. این تفاوت در ریخت سیاه‌چادر بیشتر متأثر از فرهنگ و جغرافیای منطقه بوده، هرچند پهنه فرهنگی در بین عشایر بسیار نزدیک است، اما در تقسیمات فضای داخل، ابعاد، اندازه و سایه سیاه‌چادر تفاوت‌هایی وجود دارد. همچنین استفاده از تزئینات و پرداختن به نمای سیاه‌چادر ایل بختیاری بیشتر از ایل کرد است.

واژگان کلیدی: عشایر، سکونتگاه، سیاه‌چادر، ایلام، خوزستان.

مقدمه

متوجه می‌شویم که از حدود ۶ هزار سال پیش تاکنون سه شیوه زندگی مرتبط به هم؛ یعنی شهرنشینی، ده‌نشینی و کوچ‌نشینی (چادرنشینی) در کنار هم، در این سرزمین، تجربه شده است (همان). مسکن یا خانه، مکان و کالبدی است که تأمین‌کننده دو رکن آسایش جسم و روان است. شکل‌گیری مسکن، تابع عوامل و شرایط فرهنگی، اقلیمی، اقتصادی- معیشتی و تکنیک ساخت در جامعه استفاده‌کننده است (ضرغامی، ۱۳۹۵، ۲۱). عشایر کوچ‌رو، در فصولی که در حال تغییر شرایط اقلیمی هستند به مناطق دیگر کوچ می‌کنند (روحی، ۱۳۹۵، ۱۰). سیاه‌چادرها بسیار سبک بوده و هنگام استقرار در بیلاق^۲ و قشلاق^۳، به راحتی برپا

سرزمین باستانی ایران، از لحاظ عوامل جغرافیایی بسیار متنوع است و همین ویژگی، تأثیر شدیدی بر شکل‌گیری فعالیت‌های معیشتی در این منطقه گذاشته است (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۳، ۱۸). ایران از جمله مناطقی است که در حدود ۱۱ هزار سال پیش وارد مرحله تولید غذا؛ یعنی، کشاورزی و دام‌داری شده است. همچنین ایران یکی از چند کشوری است که نزدیک به ۶ هزار سال پیش، به مرحله تمدن (شهرنشینی- دولت) رسیده است (همان). بدین سان،

می‌شود. به دنبال شناخت سیاه‌چادر و نحوه ساخت و برپا کردن آن و تفاوت‌های موجود، در اواسط فصل پاییز تا اوایل فصل بهار، با حضور در مناطق مرزی دهلران که محل استقرار عشایر کرد از استان کرمانشاه، ترکاشوند از استان همدان و عشایر بختیاری شهرهای شمالی استان خوزستان بوده، مشاهدات مستقیم ثبت و بررسی‌های لازم صورت پذیرفته است.

بیان مسئله

هرجا جمعی تاریخی و با هویت فرهنگی خاص و شناخته‌شده وجود دارد، قطعاً آثار اجتماعی و تجسمی آنان ارزش بررسی تطبیقی و طبقه‌بندی و گونه‌شناسی را دارد. عشایر ایران، ایل و اقوام متفاوتی هستند که از گذشته‌های دور در چهار گوشه سرزمین ایران زندگی می‌کنند (ضرغامی، ۱۳۹۵، ۶۴). زندگی عشایری که تداوم آن منوط به گردش فصلی و استفاده از چراگاه‌های بهتر و تازه‌تر و موقعیت‌های بانشاط و پرعلف و گیاه است مستلزم سرپناهی سازگار با این سبک زیست و زندگی به نام سیاه‌چادر است. با توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد این سرپناه عشایر و دوام و ظرفیت و استحکام آن در مقابل فراز و فرودهای طبیعی و حوادث غیرقابل پیش‌بینی، علی‌رغم وجود ابزارهای نوین دیگری برای اسکان، اما عشایر حاضر به منسوخ کردن آن نیستند. این پژوهش به دنبال ریخت‌شناسی سیاه‌چادر در بین دو ایل کوچ‌رو در جنوب غرب کشور است. که از لحاظ موقعیت جغرافیایی، فرهنگی و اقلیمی تشابهات زیادی با هم دارند؛ ولی علی‌رغم قرارگیری در یک پهنه فرهنگی دارای تفاوت‌هایی نیز هستند. مهم‌ترین سؤالی که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی بر ریخت سیاه‌چادر ایل کرد و بختیاری است؟

هدف پژوهش

منظر فرهنگی اقوام ایران بسیار متنوع و گوناگون است؛ به طوری که در مکان‌های جغرافیایی به ظاهر مشابه نیز، تفاوت‌ها عمیق و بعضاً متفاوت با یکدیگر هستند. هدف این پژوهش شناخت آداب، مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی عشایر و تأثیرات آن بر ریخت‌شناسی سیاه‌چادرها است.

سؤالات پژوهش

الف. فرهنگ، اجتماعی و اقلیم در بین عشایر کوچ‌رو کرد و بختیاری چه میزان بر ریخت سیاه‌چادر تأثیرگذار بوده است؟
ب. تقسیمات فضا در سیاه‌چادر عشایر بختیاری و کرد چگونه است؟
ج- سیاه‌چادر در بین قوم کرد و بختیاری چه جایگاهی دارد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر براساس هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی است و به صورت کیفی و مبتنی بر توصیف و تحلیل است. تحلیل‌ها براساس منابع کتابخانه‌ای، پژوهش‌های میدانی (زمینه‌ای) و مشاهدات مستقیم قرارگاه عشایری در مناطقی است که بیشتر قشلاق و ییلاق دو ایل کوچ‌رو در آنجا مستقر می‌شوند.

پیشینه تحقیق

در زمینه مردم‌شناسی، گروهی از مردم‌شناسان به مطالعات میدانی میان عشایر بختیاری، کرد و لرهای لرستان و جلوه‌های زندگی در مسکن عشایری، فرهنگ، ارتباط بین عشایر کشور و اقتصاد در بین مسکن آنها پرداخته‌اند.

۱- فیلیبرگ (۱۳۷۲) به مطالعه زندگی و فرهنگ کوچ‌نشین و مسکن اقوام مختلف در سراسر دنیا پرداخته و با بررسی موردی چادرها از لحاظ ریخت‌شناسی، در پی یافتن مبدایی برای آنها بوده است. وی همچنین چندین قوم از جمله لرهای لرستان و کردها را در ایران مورد بررسی قرار داده و بیان می‌کند که چادر لرها و کردها دارای وجه مشترک زیادی هستند، ولی چادر قشقایی‌ها شباهت بیشتری با چادر لرها دارد.

۲- دیگارد (۱۳۸۷) در بررسی‌های خود، جلوه‌هایی از زندگی بزرگ‌ترین ایل ایران یعنی بختیاری را با دقت خاصی نشان می‌دهد و تکنیک‌های به کار گرفته شده توسط مردم محروم این ایل را، که بیانگر استعداد و هوش ذاتی آنها در مبارزه با طبیعت است، بیان می‌کند.

۳- گارثویت (۱۳۷۵) نیز به بررسی ارتباط بین ایل بختیاری و جامعه ایران و اهمیت ویژگی‌های اقتصادی - سیاسی و فرهنگ بختیاری پرداخته است.

۴- رستنده (۱۳۸۸) مهمترین ویژگی‌های بنیادین از نظر فرهنگی در مناطق روستایی غرب کشور و روابط بین عناصر کالبدی عوامل فرهنگی مؤثر بر فضاهای روستایی در قالب بحث فرهنگ روستایی را مورد بررسی قرار داده است.

۵- افشار سیستانی (۱۳۸۲) در کتاب «ایل و چادر نشینان و طوایف عشایری ایران»، به بررسی جغرافیایی ایلات و سرزمین هریک از عشایر پرداخته و اقلیم، سابقه تاریخی، وجه تسمیه، نژاد و فرهنگ هر کدام را بیان می‌کند.

۶- صفری و طاهری (۱۳۹۲) به مطالعه ترانه‌های کار در میان عشایر بختیاری پرداخته است که در این ترانه‌ها می‌توان تقسیم کار بین زنان و مردان و همچنین نقش مهم زن در تأمین معیشت و اقتصاد خانوار را مشاهده کرد.

۷- راپاپورت (۱۳۹۲) در کتاب «انسان‌شناسی مسکن»، با تکیه بر تجربه شخصی، منابع بی‌شمار مدون و غیرمدون و با



تصویر ۱. اجزای تشکیل دهنده سیاه چادر، مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷.

در سال ۱۹۹۲ بیانیه کنوانسیون میراث جهانی، منظر فرهنگی را کار مشترک انسان و طبیعت تعریف کرده است (مرکز میراث جهانی یونسکو، ۱۹۹۲). در تعریف قدیمی منظر فرهنگی، در زیرمجموعه منظر طبیعی آن، عواملی چون عوارض زمین، کیفیت خاک، گیاهان و حیوانات از نیازهای شکل‌دهی طبیعت به شمار می‌رفتند و سازگاری با عوامل طبیعت در قالب فعالیت‌های انسانی، سازنده منظر فرهنگی بوده است (مخلص، فرزین و جوادی، ۱۳۹۲، ۳۱). با توجه به تعاریف ارائه شده، می‌توان گفت، دو عامل فرهنگ (جامع انسانی) و طبیعت پایه شکل‌گیری منظر فرهنگی هستند. در بخش مسکن «راپاپورت» اصلی‌ترین و عمده‌ترین عوامل شکل‌دهنده خانه و مهم‌ترین جنبه شیوه زندگی که بر بنا تأثیر می‌گذارد را بیان کرده است. طبق همین نظریه، عوامل تغییردهنده‌ای چون اقتصاد، اقلیم، بستر، موقعیت مکانی، مصالح، فن‌آوری و غیره (تصویر ۲) یا همان نیروی ثانویه، نقش تسهیل‌کننده یا محدودکننده، ظهور الگوهای فرهنگی و اجتماعی در معماری سنتی را داشته‌اند (عزیزی و دلپذیر و مقدم، ۱۳۹۱، ۶۲).

در جدول ۲ به بررسی مهم‌ترین جنبه‌های شیوه زندگی تأثیرگذار بر بنا از دیدگاه راپاپورت پرداخته شده است. ایلات و عشایر ایران بر پایه پیشینه تاریخی و پاره‌ای ویژگی‌های قومی و زبانی و فرهنگ اجتماع در پنج گروه بزرگ ایل گرد، ایل لر (بختیاری و لر کوچک)، ایل ترک (قشقایی، افشار و ترکمن)، ایلات و طوایف بلوچ و سیستانی، عشایر عرب تقسیم شده‌اند (طیبی، ۱۳۷۱، ۳۱۴).

با بررسی میدانی بین دو ایل گرد و بختیاری آنان را براساس

کمک‌گرفتن از نمونه‌های بسیار زیاد و متنوع، به کالبدشکافی بنا و مسکن و تا حدودی محیط‌زیست پرداخته و شکل بنا را متأثر از عوامل مختلف می‌داند.

مبانی نظری پژوهش

واژه «عشایر» برگرفته از اصطلاح عربی است و به گروه خویشاوند که زندگی خود را بیشتر در پرورش احشام و مبتنی بر جابه‌جایی و کوچ می‌گذرانند اطلاق می‌شود. کلمه «عشایر» از ریشه عشیره گرفته شده، که در زبان فارسی نیز به معنی خویشاوندی، نزدیکان، تبار اهل خانه، ایل، طایفه و قبیله است و به صورت سلسله‌مراتبی در هنگام کوچ (جابه‌جایی) و حرکت افراد و خانوارها در قلمروهای قشلاق و ییلاق با همکاری و هم‌دوش هم حرکت می‌کنند. هدف اصلی از این کوچ فرار از سرما و گرمایی طاقت‌فرسا در فصول گرم و سرد سال و همچنین پیدا کردن علوفه بهتر برای احشام خود است (ضرغامی، ۱۳۹۵، ۲۱). کوچ در گذشته به صورت سنتی و با پای پیاده انجام می‌گرفت، ولی در حال حاضر، در برخی مناطق که امکان دسترسی به وسایل نقلیه فراهم باشد، با آن صورت می‌پذیرد. همچنین با توجه به صعب‌العبور بودن بعضی مناطق و عدم دسترسی وسایل نقلیه، نیز با چهارپایانی مانند الاغ، قاطر و... انجام می‌شود.

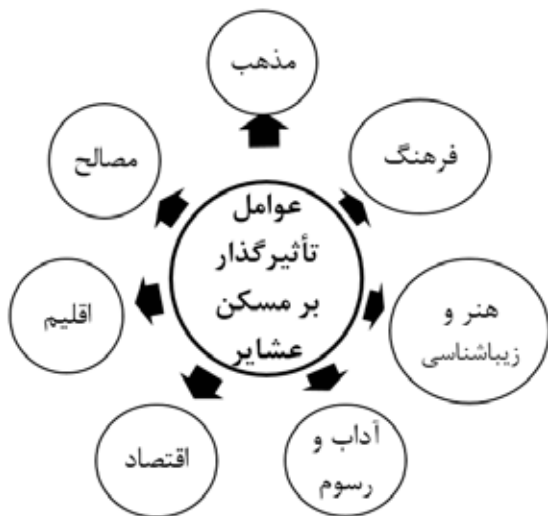
سیاه‌چادر و اجزای تشکیل‌دهنده آن

در ایران از بافته موی بز به عنوان اصلی‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده سیاه‌چادر استفاده می‌کنند (افشار سیستانی، ۱۳۸۲، ۱۴۶)؛ (نیک خلق ونوری، ۱۳۷۷، ۱۲۹)؛ (بلوکباشی، ۱۳۸۱، ۴۸). هر سیاه‌چادر از قسمت‌ها، ابزار و عناوین مختلفی درست شده که شامل تخته، ستون، کوچیل، سرکوچیل، ریسمان، چیت، سرتیر، دستک، موک، شلمه، پاروش، میخ‌های بلند و کوتاه، میخ چوبی هستند و نقش مهمی در برپایی و نگهداری یک سیاه‌چادر را دارند. سیاه‌چادرها را باید طوری محکم کرد که در هنگام بارندگی و باد شدید موجب تخریب و از هم گسیختگی نشود (تصویر ۱).

فرهنگ و شاخصه‌های تأثیرگذار بر مسکن عشایری

فرهنگ از دو جزء «فر» پیشوند «هنگ» از ریشه «تنگ» اوستایی به معنایی کشیدن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۷۱۳۲). فرهنگ مجموعه‌ای از باورها و رسوم، دین و دانش هماهنگ کردن خود با محیط بوده که به صورت میراثی از گذشته به انسان می‌رسد و عامل اصلی در فرهنگ انسان یا گروه‌های انسانی است (دانایی‌نیا و ایل بیگی‌پور، ۱۳۹۶، ۶۵). «آشوری» در کتاب «تعاریف و مفهوم فرهنگ» آنها را در شش دسته تقسیم کرده که خلاصه آن در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. تعاریف فرهنگ. مأخذ: آشوری، ۱۳۸۰، ۷۱-۴۹.



تصویر ۲. عوامل تأثیرگذار بر مسکن عشایر. مأخذ: عزیزی، دلپذیر و مقدم، ۱۳۹۱، ۶۲.

عوامل تأثیرگذار بر ریخت سیاه چادر

منظر، بخشی از محیط است که در آن ساکن بوده و به واسطه ادراکات، آن را درک می‌کنند و گریزی از آن نیست. اصطلاح منظر فرهنگی معادل منظر متأثر از فرهنگ (بومی) است. اما در هر دو حالت ما با پدیده‌ای که حاصل تعامل دو عنصر است مواجه هستیم. طبیعت که جزئی از منظر است و انسان که سازنده فرهنگ است: منظر فرهنگی، یک منظر طبیعی است که به وسیله گروهی انسانی شکل یافته است. فرهنگ نقش عامل و طبیعت نقش واسطه را دارد و منظر فرهنگی حاصل آن است. عوامل جغرافیایی و طبیعی نقش بسزایی در ریخت سیاه چادرها دارد.

• منظر فرهنگی

منظر فرهنگی براساس مدل شکل‌گیری جوامع و سنت‌ها، آداب و رسوم و شیوه زندگی مردم هر ناحیه به شکل ممتاز و خاص همان منطقه بروز و ظهور یافته و به نحوی تفکیک‌ناشدنی با زندگی مردم عجین شده است. در این بین عوامل متعددی در شکل‌گیری منظر فرهنگی عشایر تأثیرگذار است. منظر فرهنگی براساس سبک زندگی و سنت‌های هر منطقه شکل می‌گیرد و سبب تمایز گروهی از گروه دیگر می‌شود. عواملی چون اقلیم، مرتع، کوچ، قرارگاه‌های عشایری، معیشت، مصالح و تکنولوژی ساخت و منابع، جایگاه زن، سنت و زبان، تفریح و سرگرمی، مذهب، جشن‌ها، رنگ، امنیت و خویشاوندی در ایجاد قرارگاه‌های عشایری و الگوی منظر فرهنگی نقش بسیار مهمی دارند (دانایی‌نیا و ایل بیگی‌پور، ۱۳۹۶، ۶۹). در جدول ۴ عوامل مؤثر فرهنگی تأثیرگذاری بر شکل و ریخت سیاه چادر شرح داده شده است.

تعاریف فرهنگ	نظریه پردازان	
فرهنگ یا تمدن، کلیت درهم‌تافته‌ای است، شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه عادتی که آدمی همچون هموند از جامعه به دست می‌آورد.	تایلور (۱۸۷۱)	وصفگراییانه
فرهنگ آن چیزی است که از گذشته به میراث مانده و اکنون به آن عمل و آینده را شکل می‌دهد.	مایرس (۱۹۲۷)	تاریخی
همه کارهایی که ساکن یک حوزه مشترک جغرافیایی هستند. از جمله راه و روش کار، شیوه اندیشیدن و ... نیز ابزارهای مادی و ارزش‌ها و نمادهای آنان.	لیند (۱۹۴۰)	هنرچاری
فرهنگ راه و روش مشترک زندگی است. یعنی عامل سازواری ویژه انسان با محیط طبیعی و نیازهای اقتصادی خود.	داوسن (۱۹۲۸)	روانشناسی
فرهنگ سیستمی است از الگوهای عادتی پاسخگویی که با یکدیگر هم بسته‌اند.	ویلی (۱۹۲۹)	ساختاری
آن بخش از محیط که ساخته دست بشر است و باید خود را با آن منطبق کند.	ویلی (۱۹۲۷)	تکوینی

اقلیم منطقه، منظر فرهنگی و فرهنگی و اجتماعی مورد ارزیابی قرار داده و در جدول ۳ بیان شده است.

بحث و یافته‌های پژوهش

جغرافیای منطقه مورد مطالعه در حوزه جنوب غرب کشور، رشته‌کوه زاگرس معروف به کوه‌های زاگرس میانی قرار دارند که مأمنی برای پذیرایی عشایر از استان کرمانشاه است. جنوب استان ایلام در گذشته، در ایام سرد سال، از اواسط فصل پاییز تا اوایل فصل بهار، قشلاق عشایر بوده و تاکنون نیز ادامه دارد. ایل بزرگ بختیاری که سکونت اصلی آنها استان چهارمحال و بختیاری است، قشلاق خود را در شهرهای حوزه شمالی استان خوزستان و بعضاً تا نزدیکی جنوب استان ایلام سپری می‌کنند، عمده‌ترین آنها نیز در سال‌های بسیار دور، در آنجا شهرهای شمال خوزستان یکجانشین شده‌اند.

فاصله‌های حدوداً سه متری در اطراف کوبیده و به کمک ریسمان به هم متصل می‌شوند. استحکام اصلی بنا به این میخ‌های چوبی بستگی دارد. ایل بختیاری که ییلاق نسبتاً سردتری از عشایر کرد سپری می‌کنند، در اطراف سیاه‌چادر برای در امان ماندن از گزند سرمای کوه‌های چهارمحال و بختیاری از دیوار سنگی کوتاهی دور تا دور سیاه‌چادر به ارتفاع حدوداً ۷۰ سانتی‌متر تا ۱ متر، به قطر حدوداً ۵۰ سانتی‌متر در قسمت شمال و شرق و غرب و تا محدوده دو متری ورودی، به جای چیت استفاده می‌کنند. در **جدول ۵** اجزای تشکیل‌دهنده سیاه‌چادر در دو ایل نشان داده شده است.

پلان سیاه‌چادر در فصل زمستان مستطیلی و براساس وضعیت اقتصادی، اجتماعی و جایگاه افراد دارای تفاوت در ابعاد، اندازه و همچنین جدیدبودن قطعات تشکیل‌دهنده است. در چادرهای بختیاری بیشتر سمت راست مختص پخت و پز، رخت‌خواب‌ها، مشک‌های آب و سایر وسایل و محل فعالیت زنان است، قسمت دیگر مختص مردان و به ویژه مهمانان است و در واقع پلان سیاه‌چادر باز است و با چیت‌ها یا حتی از پوشش کف از هم جدا می‌شوند. ولی در سیاه‌چادر کردها بیشتر سمت چپ مختص زنان است. در **جدول ۵** پلان‌ها و حریم‌بندی‌ها نشان داده شده است.

• عوامل جغرافیایی و طبیعی اقلیم

تأثیرات اقلیم بر ساختار و ریخت سیاه‌چادر بیشتر از دیگر عوامل است. تغییرات در زمستان با تابستان دارای تفاوت‌هایی



تصویر ۳. محدوده عشایر مستقر در جنوب غرب کشور. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷.

جدول ۲. مهمترین جنبه‌های شیوه زندگی تأثیرگذار بر ساختار سیاه‌چادر. مأخذ: رایاپورت، ۱۳۹۲، ۱۱۹-۳۸.

مهم‌ترین جنبه از شیوه‌های زندگی تأثیرگذار بر شکل خانه	متغیر شکل‌دهنده خانه
پاره‌ای تنفس، نور و روشنایی، قواعد از نیازهای خاص غذا خوردن، تأمین معیشت، نشستن و خوابیدن اساسی	اقلیم و نیاز به سرپناه
یک همسر و چند همسر، خانواده مرکب	مصالح و تکنولوژی ساخت وساز
خانوار	سایت و موقعیت
جایگاه و مقام زن	محاورت یا دسترسی به آب و مواد غذایی، جهت وزش باد و در مسیر آن قرار داشتن شرایط فاقی، ذخیره کردن زمین برای کشاورزی یا صرفه‌جویی در زمین کشاورزی و عامل حمل و نقل
محرمیت	دفاع
روابط اجتماعی	اقتصاد
	مذهب

• ساختاری، سازه و پلان

سیاه‌چادرها از نظر ساختاری در منطقه مورد مطالعه بسیار شبیه هستند. سازه اصلی بنا متشکل از قطعات به هم بافته شده موی بز که در زبان بختیاری «بهن» و در زبان کردی «لَه‌ته» گفته می‌شود، تشکیل شده است. ستون‌های عمودی سیاه‌چادر بسته به طول سیاه‌چادر بین سه تا چهار عدد متغیر است. این ستون‌ها بیشتر از چوب درخت بلوط و با ارتفاع حدوداً سه متر ساخته می‌شوند و به صورت چفت و بست داخل ستون‌های افقی که زیر سیاه‌چادر قرار دارد، قرار می‌گیرند. بعد از برافراشتن سازه، در اطراف آن میخ‌های چوبی بلندی به

جدول ۳. شاخصه‌های تأثیرگذار بر ریخت سیاه‌چادر. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷.

منظر فرهنگی	منظر فرهنگی_اجتماعی	اقلیم
- آثاری که تماماً و عամدانه به شکل امروزی به دست بشر ساخته شده‌اند. - آثاری که در اثر یک نیاز و در طول زمان به شکل فعلی در آمده‌اند. - آثار طبیعی که دلیل وجود یک ویژگی مذهبی، هنری برای بشر ارزش فرهنگی خاصی یافته است.	- روابط اجتماعی - اقتصاد - دین - امنیت - اختلاط و گفتگو - مهمان‌نوازی - گویش و زبان	- موقعیت جغرافیایی طبیعی - مبانی اکولوژی - مصالح قابل دسترس (بوم‌آورد) - قرارگاه عشایری
- مصالح و تکنولوژی ساخت - نیاز به سرپناه برای در امان ماندن از سرما و گرما - پاره‌ای از نیازهای اساسی و برپایی و جمع‌شدن سریع - استفاده در هردو کوچ بیلاق و قشلاق	- بزرگ‌بودن سیاه‌چادر و جایگاه مهمان - عدم استفاده از مسکن دائم - باورهای دینی و مذهبی در محرمیت و جدایی فضای زن و مرد - پیوستگی فضای سیاه‌چادر و قرارگیری در یک راسته - گردهمایی و جلسه خانوادگی و طایفه‌ای و همچنین تفریح و سرگرمی - زبان لری	- قرارگیری در کوهپایه‌ها برای در امان ماندن از باد، طوفان و بارندگی‌ها و پیوستگی سیاه‌چادرها در کم‌کردن جداره‌های بیرونی - بوم‌شناسی و نیاز به کوچ و در امان ماندن از گزند سرما، گرما و همچنین چرای دام - مصالح قابل دسترس از موی بز و شاخ، برگ درختان و سنگ - قرارگیری در راسته شرقی-غربی و در زمستان از انتهای سیاه‌چادر جهت گرما و در تابستان از جلوی آن بیشتر استفاده می‌کنند.
- مصالح و تکنولوژی ساخت - نیاز به سرپناه - پاره‌ای از نیازهای اساسی و برپایی و جمع‌شدن سریع - بیشتر در قشلاق و در بیلاق - براساس نیاز به سیاه‌چادر و کولا تقسیم می‌شود.	- اندازه و سایز کمتر نسبت به سیاه‌چادر بختیاری و جایگاه مهمان - عدم استفاده از مسکن دائم - باورهای دینی و مذهبی در محرمیت و جدایی فضای زن و مرد - قرارگیری با فاصله نسبتاً کم و عدم پیوستگی - گردهمایی و جلسه خانوادگی و طایفه‌ای و همچنین انگارهای تفریح و سرگرمی - زبان کردی	- قرارگیری در کوهپایه‌ها برای در امان ماندن از باد، طوفان و بارندگی‌ها - بوم‌شناسی و نیاز به کوچ و در امان ماندن از گزند سرما، گرما و همچنین چرای دام - مصالح قابل دسترس از موی بز و شاخ و برگ درختان - قرارگیری در راسته شرقی-غربی و در زمستان از انتهای سیاه‌چادر جهت گرما و در تابستان بیشتر از کولا.

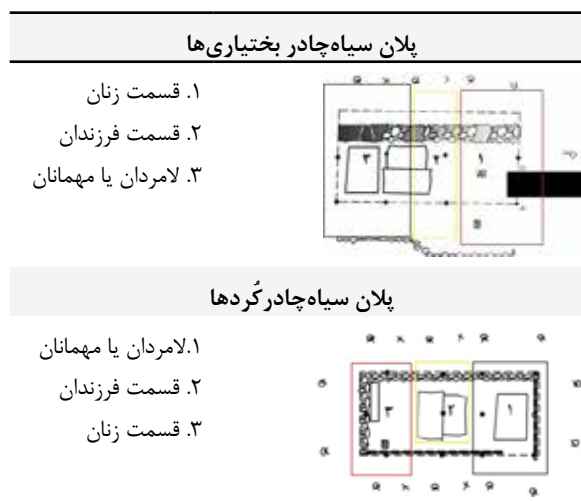
انجام می‌شود و اطراف بنا با چیت بسته می‌شود. این تغییرات بیشتر تحت خاصیت فیزیولوژیکی موی بز است که برخلاف بقیه مواد در گرما منبسط و در سرما منقبض می‌شود و این کاربرد ممتاز در سیاه‌چادر کمک می‌کند تا در تابستان منافذ باز شده و جابه‌جایی و تبادل هوای سرد به جای گرم که بیشتر در مناطق کوهستانی ساکن هستند، میسر شود و در زمستان منافذ منقبض شده تا از هدررفت انرژی و گرمای داخل به بیرون جلوگیری شود. و همچنین در زمستان برای محافظت در مقابل باران و برف سقف سیاه‌چادر را به صورت شیب‌دار ساخته و در بعضی موارد در زیر آن نیز ناپلونها پلاستیکی

است. عشایر در بیلاق خود بیشتر در مناطق کوهستانی و دامنه کوه‌ها ساکن می‌شوند تا از گزند گرما به دور باشند، همین سکونت بر ریخت سیاه‌چادر از نظر اقلیمی تأثیر فراوانی داشته که ساختار و سازه بنا نیز تحت همین عوامل تغییر کرده‌اند. سازه در بیلاق دو ایل ساکن در کوهستان سیاه‌چادر است. اما در بعضی موارد نیز از کولا که نوعی آلاچیق بوده استفاده می‌شود که به وسیله چوب‌های گوش‌دار با ارتفاع لازم به صورت سرپناهی مکعب‌شکل ایجاد می‌شود. بالای آن با بافتن نی به همدیگر ساخته می‌شود که سازه‌ای کاملاً سبک و پایدار است. البته ساخت کولا (آلاچیق) با شیوه‌های مختلف

جدول ۴. عوامل مؤثر فرهنگی بر شکل و ریخت سیاه‌چادر. مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷.

عوامل	ایل بختیاری ساکن در شمال خوزستان	ایل کرد و لر ساکن در جنوب استان ایلام
عوامل جغرافیایی و محیطی	۱. بیلاق «چهارمحال و بختیاری»، «قشلاق» شمال استان خوزستان و نزدیکی به جنوب استان ایلام ۲. عمودی و افقی	۱- «بیلاق» کرمانشاه و شمال ایلام «قشلاق» جنوب استان ایلام تا نزدیکی شمال خوزستان ۲- عمودی و افقی
اقتصادی	۱. صنایع دستی ۲. موی بز، چوب، نی و سنگ	۱- دامپروری، کشاورزی و صنایع دستی ۲- موی بز، چوب، نی و سنگ
سیاسی اجتماعی	۱. ایل-طایفه‌گری ۲. لری ۳. اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	۱. ایل-طایفه‌گری ۲. کردی ۳. طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
دین و باورها	اسلام، شیعه	اسلام، شیعه و یارسانی
نیازها	۱. امنیت و تولید مثل (سرپناه) ۲. معماری	

جدول ۵. پلان و حریم‌بندی سیاه‌چادرها. مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸.



ورودی آن به اندازه‌ای یک طرف سیاه‌چادر در بعضی از موارد می‌رسد.

• نمادها

بیشتر نمادهای استفاده شده در سیاه‌چادرها مربوط به اعتقادات مذهبی و چشم زخم است و از سنگ فیروزه‌ای استفاده می‌شود. **تصویر ۴** گهواره‌ای تزئین شده را نشان می‌دهد. همچنین تزئینات با نخ‌های با تنوع رنگ زیاد، که آویزان شده در داخل و بیرون سیاه‌چادر باعث نمود سیاه‌چادر در شب می‌شود. این تنوع رنگ نخ‌ها که در اصطلاح عشایر «شردنگ» گفته می‌شود، باعث جلوه‌ای زیبا در درون و بیرون سیاه‌چادر می‌شود.

بیشتر نمادهای استفاده شده در تزئینات قالی‌ها، انتزاعی هستند. بر این اساس در **تصویر ۵** شردنگ و گل‌های قالی نشان داده شده است.

بحث و نتایج

پلان کلیه سیاه‌چادرها در زمستان بسیار شبیه هم است، تنها تفاوت آنها در قسمت لامردان «قسمت مردان» است، که در بعضی موارد این قسمت از هم جدا نشده و حائلی بین آنها دیده نمی‌شود. بررسی انجام گرفته بر روی پلان سیاه‌چادر

جهت عایق رطوبتی استفاده می‌کنند. از دیگر تأثیرات بر ریخت سیاه‌چادر بر نحوه‌ای ورودی آنها در فصل تابستان اشاره کرد، که در ایل بختیاری تحت تأثیر اقلیم سطح ورودی در فصل بهار و تابستان بسیار بیشتر از ایل کرد بوده و حتی سطح طول

جدول ۶. اجزای تشکیل‌دهنده سیاه‌چادر از نظر ساختاری و سازه‌ای. مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷.

اجزاء	کارکرد در سازه	نمونه موردی	توضیحات
قطعات سیاه‌چادر (پهن)؛ تیر	سازه اصلی مسکن عشایری در دو ایل محسوب می‌شود. عمر مفید آن در حدود ۶ تا ۷ سال و هر قطعه حدوداً در ۱۲ ساعت درست می‌شود.		توسط زنان عشایر و در اواخر فصل تابستان و اوایل فصل پاییز ساخته می‌شود.
ستون عمودی «گوجیل»	سازه عمودی نگهدارنده سیاه‌چادر که با فاصله حدوداً دو متری از هم قرار می‌گیرند. انتهای این ستون‌ها جوری درست می‌شود که درون تیر افقی قرار بگیرد.		ستون‌های عمودی از جنس چوب و از درخت بلوط به خاطر مقاومت زیاد استفاده می‌شود.
تیر افقی «سرگوجیل»	سازه افقی مسکن عشایری که وظیفه به هم متصل کردن ستون‌های عمودی را دارد، درون این تیرها سوراخ‌هایی جهت ستون‌های عمودی تعبیه شده و به هم جفت و بست می‌شوند.		به شکل چهار تراش درآورده و در هر دو متر یک سوراخ در آن تعبیه می‌شود. با توجه به طول سیاه‌چادر بیشتر از سه عدد به صورت به هم پیوسته استفاده می‌شود.
میخ‌های بلند و کوتاه	این میخ‌ها بیشتر از جنس چوب و در فاصله‌ای معینی از سازه قرار می‌گیرند. کارکرد این میخ‌ها حفظ تعادل در اتصالی است که به کمک ریسمان به وجود می‌آید.		میخ‌های بلند از جنس چوب و کوتاه فلزی است. برای بلند کردن اطراف سیاه‌چادر نیز از چوب استفاده می‌شود.
گوشه «ساموره»	برای اتصال سیاه‌چادر به میخ‌های اطراف از جنس خود قطعات به صورت دایره درست شده است.		این قسمت بیشتر به صورت دایره و برای اتصال محکم با خود قطعه یا بعد از نصب قطعه بافته می‌شود.
مورک	این قطعه از جنس چوب و برای جدانشدن بالای سیاه‌چادر قرار دارد و اتصال وسط سیاه‌چادر و به طور کلی محل تلاقی دو طرف سازه و تیر افقی است.		اتصال وسط سیاه‌چادر است که بعد از اتصال گوشه‌ها با چوب محکم می‌شوند.
دیوار	به صورت دیوار متحرک عمل می‌کند که از نی و ریسمان بافته شده از موی بز یا گوسفند به هم متصل می‌شود و بیشتر در اطراف سیاه‌چادر و یا تقسیم فضایی کاربرد دارد.		دیوار متحرک اطراف سیاه‌چادر که بیشتر در فصول معتدل کاربرد زیادی دارد و در زمستان نیز تقسیم‌کننده فضا است.



تصویر ۵. نمادهای به کار رفته در قالی و شردنگ. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸.



تصویر ۴. نماد چشم‌زخم بر روی گهواره کودک عشایر بختیاری. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸.

سیاه‌چادر بیشتر از نایلون یا پوشش چادری برای محافظت از نفوذ رطوبت و برودت هوا و با فاصله حدوداً دو تا سه متر از سیاه‌چادر ساخته می‌شود. در پژوهش انجام‌گرفته بر روی پلان ۴۰ عدد سیاه‌چادر در دو منطقه نشان می‌دهد، حرکت و استفاده فضایی در قشلاق فاصله‌ی عشایر با ورودی در سیاه‌چادر بیشتر است و دلیل اصلی آن نیز شرایط اقلیمی و کم‌کردن تبادل انرژی است. در ییلاق معکوس است و بیشتر از قسمت جلوی و نزدیک ورودی سیاه‌چادر استفاده می‌شود که، علت آن تبادل و جابه‌جایی سریع‌تر هوای داخل سیاه‌چادر است. اقلیم بیشترین تأثیر را در ریخت سیاه‌چادر در ییلاق و قشلاق عشایر دارد، **جدول ۷** به طور مختصر در مورد عوامل مؤثر در ریخت سیاه‌چادر شرح می‌دهد. تاثیرگذاری بر شکل تقسیمات فضای درون سیاه‌چادرها در مجزاشدن قسمت مردان «لامردان» از قسمت زنان «لازان» گواه مهمان‌نوازی این دو ایل است. این تقسیمات فضایی درون سیاه‌چادر در زمستان بیشتر و در تابستان به خاطر اعتدال هوایی و استفاده از فضای بیرونی کمتر است. در ایل بختیاری بیشتر از «شردنگ» جهت تزئینات و همچنین چشم‌زخم در سیاه‌چادر استفاده می‌شود. این نوع تزئینات مشهور به «ورس» از بافتن پشم گوسفند درست می‌شود. «ورس» نخ‌های رسته‌شده رنگی است که و به تعداد زیادی به طول ۴۰ تا ۶۰ سانتی‌متر در کنار هم دسته و از وسط بسته می‌شود. «شردنگ‌ها» را به تعداد بسیار زیاد، دور تا دور سیاه‌چادر به وسیله نخ به هم متصل می‌کنند. این نوع تزئینات در مناطق گرد در استان ایلام کمتر مشاهده می‌شود. در **جدول ۸ و ۹** ریخت سیاه‌چادر در ییلاق و قشلاق و همچنین محل نگهداری احشام دو ایل، و فضای پخت و پز و فضای داخلی نشان داده شده است (**جدول ۱۰**).

در بین دو ایل نشان می‌دهد که بیشترین فعالیت در قشلاق به علت سرمای هوا در انتهای سیاه‌چادر انجام می‌گیرد و سطح ورودی آن نیز به یک ششم و کمتر می‌رسد، و در ییلاق بیشتر در نزدیکی ورودی سیاه‌چادر و سطح ورودی آن نیز به یک چهارم افزایش می‌یابد و علت اصلی آن نیز تبادل هوا است. در **جدول ۶** پوشش و ریخت سیاه‌چادر دو ایل بررسی شده است.

نتیجه‌گیری

سیاه‌چادرها به عنوان سرپناه عشایر کوچ‌رو طی قرن‌ها، به عنوان بهترین و مناسب‌ترین مسکن مطرح بوده‌اند و به دلیل سهولت در برافراشتن، تهیه و حمل‌ونقل، سازگار با این شیوه زندگی است. این واحد سکونتی در چهار فصل سال مورد استفاده قرار می‌گیرد و با اندکی تغییرات، با فصول مختلف هماهنگ می‌شود. علاوه بر شرایط لازم برای زندگی، جنبه‌های فرهنگی و هنری نیز مورد توجه قرار گرفته و به خوبی نوعی تکنولوژی بومی اصیل و ابتکار را به نمایش می‌گذارد. نکته حائز اهمیت در ریخت‌شناسی سیاه‌چادر در بین ایل بختیاری و ایل گرد در زاگرس میانی، فرهنگ بسیار نزدیک این دو ایل عشایر کشور به یکدیگر است. سیاه‌چادر در تابستان شمالی معکب مستطیل و در بعضی موارد که از کولا (آلاچیق) استفاده می‌شود مربعی است. در زمستان با توجه به ریزش نزولات جوی جهت جلوگیری از نفوذ باران و هوای سرد به داخل، سقف آن با قراردادن تیرهای بلند در وسط، سیاه‌چادر شیب‌دار درست می‌کنند که در بعضی موارد ارتفاع آن حدوداً سه و نیم متر است. در فضای داخلی سیاه‌چادر امکان نگهداری احشام غیرممكن است و همین موجب می‌شود در فصل زمستان محلی برای نگهداری آنها در نظر گرفته شود. کپر^۵ برخلاف

جدول ۷. ریخت‌شناسی سیاه‌چادر در ایلات گرد و بختیاری. مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷.

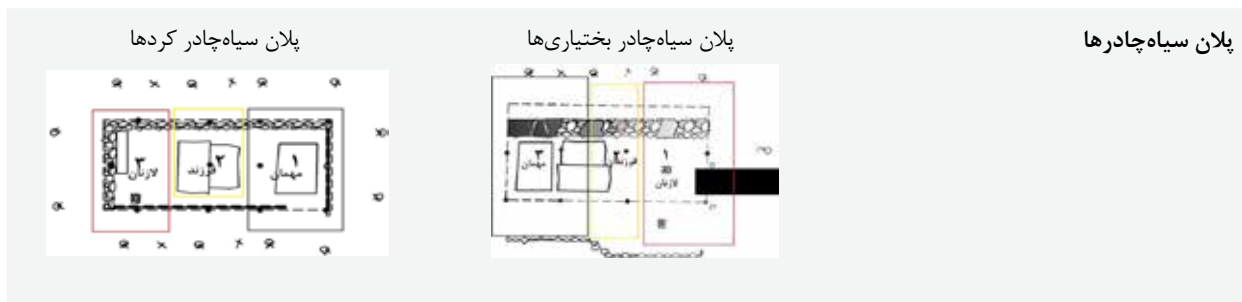
ایلات	ییلاق	قشلاق	نسبت ورودی	تبادل هوا	تفاوت‌های ریخت‌شناسی
بختیاری	سیاه‌چادر	سیاه‌چادر(بهون) و کمتر از کولا (آلاچیق)	در زمستان ۱/۶ و در تابستان ۱/۴ و بیشتر	در زمستان کم و در تابستان زیاد	ارتفاع و تقسیم فضایی، ابعاد و اندازه بزرگ‌تر، توجه به تزئینات پلان مستطیلی
گرد	سیاه‌چادر	سیاه‌چادر و بیشتر از کولا (آلاچیق)	در زمستان ۱/۶، در تابستان حدوداً ۱/۴ و کمتر	در زمستان کم و در تابستان زیاد	ارتفاع کمتر و تقسیم فضایی، پلان مربعی شکل در تابستان و مستطیلی در زمستان

جدول ۸. عوامل تأثیرگذار بر ریخت سیاه‌چادرها. مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸.

عوامل مؤثر در ریخت سیاه‌چادر

عوامل اقلیمی

- در زمستان سطح ورودی نسبت به تابستان کوچکتر است همچنین در ایل بختیاری در تابستان سطح ورودی بزرگتر و ورودی قسمت پهنای سیاه‌چادر را شامل می‌شود، و این خصوصیت ریخت‌سیاه چادر را از ایل کرد جدا می‌کند.
- فرم سیاه‌چادر در تابستان مکعب مستطیل و مربعی شکل و در زمستان سقف شیب‌دار می‌شود، زیرا سقف شیب‌دار از جمع شدن باران و برف بر فضای بیرونی چادر می‌کاهد. این پوشش در تابستان جای خود را به کولا می‌دهد که قسمتی از آن نیز از سیاه‌چادر تشکیل شده است.
- ساختن دیوار سنگ «چل»، «دیوار بردی» دور سیاه چادر، در ایل بختیاری به نسبت سرما زمستانه از سنگ‌چینی در دور سیاه‌چادر استفاده می‌شود، بیشتر سیاه‌چادرهای ایل کرد ساکن در جنوب استان ایلام از چیت و به نسبت کم از سنگ استفاده می‌کنند.
- بافت گسترده و سازه چادری نازک.



جدول ۹. عوامل مؤثر بر ریخت سیاه‌چادر در بیلاق و قشلاق. مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸.

فرهنگی و اجتماعی	جایگاه زن	- معمار کوچ‌نشینی - هم‌دوش مردان		
	امنیت	- چادرها در جهتی قرار می‌گیرند که هر چادر دید دیگری را تکمیل کند. - پیوستگی فضایی در سیاه‌چادر بختیاری بیشتر است و در کرد فاصله دارد.		
	مهمان پذیری	- آداب و رسوم پذیرش مهمان در دو ایل مشابه و تفاوت‌های جزئی وجود دارد که نمی‌تواند بر ریخت سیاه‌چادر تأثیر بگذارد.		
	کوچ	- وسایل مورد استفاده به دلیل حرکت مداوم، سبک و سریع‌الحدث و زود جمع‌شو - خانواده‌های برخوردار و دارای جایگاه برتر دارای حمل و نقل با وسایل ماشینی		
هنر و زیبایی‌شناسی		در عشایر بختیاری بیشتر به نما و زیبایی سیاه چادر توجه می‌شود.		
دیاگرام حرکتی و ارتباط		نحوه ارتباط کلامی	بیلاق	قشلاق

جدول ۱۰. ریخت سیاه‌چادر در بیلاق و قشلاق و پلان ایل بختیاری و کرد. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸.

ریخت سیاه‌چادر در بیلاق و قشلاق و پلان ایل بختیاری و کرد

قشلاق



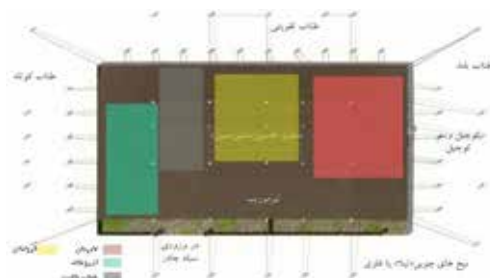
محل نگهداری احشام در زمستان

بیلاق



پلان شماتیک سیاه‌چادر

ایل
کرد



- بلوکباشی، علی. (۱۳۸۱). *جامعه ایلی در ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- حساس، نجمه. (۱۳۹۵) از خانه تا سیاه‌خانه جایگاه معماری در سیاه‌چادر کوچ نشین. تهران، *مجله مطالعات هنر و معماری*، (۵ و ۴)، ۱۲-۲۶.
- دیگارد، ژان پیر. (۱۳۸۷). *فنون کوچ‌نشینی* (ترجمه اصغر کریمی). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- دانایی‌نیا، احمد و ایل بیگی‌پور، فرانک. (۱۳۹۶). ویژگی‌های منظر فرهنگی عشایر بختیاری و تأثیر آن در ساختار معماری کوچ نشینی. تهران. *مجله باغ نظر*، (۵۷)، ۳۲-۴۲.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رایاپورت، آموس. (۱۳۹۲). *انسان‌شناسی مسکن*. (ترجمه خسرو افضلیان). مشهد: انتشارات کتابکده کسری.
- رستنده، امین. (۱۳۸۸). ویژگی‌های بنیادی منظر فرهنگی در فضاهای روستایی کوهستانی غرب ایران. *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۱۲ (۶۷)، ۸۵-۹۷.

پی‌نوشت‌ها

۱. سیاه‌چادر: پوشش مسکن عشایری که از بافتن موی بز به دست می‌آید. در زبان لری و کردی سیاه‌چادر را «دوار» تلفظ می‌کنند.
۲. قشلاق: محل گرمسیری عشایر در فصل سرد سال.
۳. بیلاق: محل سردسیر عشایر در فصل گرم سال.
۴. چیت: وسیله‌ای بافته شده از نی و موی بز که برای تقسیم‌بند فضا و همچنین در گزند از سرما و به عنوان دیوار حائل در اطراف سیاه‌چادر در عشایر استفاده می‌شود.
۵. کپر: سازه‌ای گنبدی شکل که برخلاف کپره‌های جنوب شرق کشور دارای شیب ملایم‌تر و سقف کوتاه‌تری است. این نوع سازه بیشتر از نی و نایلون‌های پلاستیکی یا پوشش چادری استفاده می‌شود.

فهرست منابع

- آشوری، داریوش. (۱۳۸۰). *تعریف و مفهوم فرهنگ*. تهران: انتشارات آگاه.
- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۸۲). *مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها*.
- چادرنشینان و طوایف عشایری ایران. تهران: انتشارات ثامن الائمه.
- امان‌اللهی بهاروند، اسکندر. (۱۳۸۳). *زوال کوچ‌نشینی در ایران: یک‌جانشینی ایلات و عشایر، فصلنامه مطالعات ملی*، ۵ (۱)، ۱۸-۱۹.

- مخلص، فرنوش؛ فرزین، احمدعلی و جوادی، شهره. (۱۳۹۲). مزار پیرمراد. منظر فرهنگی - آیینی شهرستان بانه. *باغ نظر*، ۱۰(۲۴)، ۲۷-۳۸.
- مرکز میراث جهانی یونسکو. (۱۹۹۲). *تعریف منظر فرهنگی از دید مرکز میراث جهانی یونسکو. قابل دسترس در: anthropologyandculture.com.*
- نیک‌خلق، علی‌اکبر و نوری، عسگر. (۱۳۷۷). *زمینه جامعه‌شناسی عشایر ایران*. تهران: چاپخش.
- Aalen, F. H. A., Whelan, K. & Stout, M. (1997). *Atlas of the Larish Rural Landscape*. Toronto; Ontario, University.
- Feilberge, C. G. (1994). *La Tente Noire contribution ethnographique Lhistoire Culturelle des Nomades*, Nationalmuseets skrifter, Etnografisk Raek K4, Copenhagen.
- Unesco World Heritage Centre, (1992). *Cultural Landscape*. Available from: www.whc.unesco.org; accessed.
- روحی، ترانه. (۱۳۹۵). *سیاه‌چادر، معماری عشایر کوچ‌نشینان. فصلنامه فرهنگ مردم ایران*، (۴۶ و ۴۵)، ۷۷-۱۰۰.
- صفری، جهانگیر و طاهری، ابراهیم. (۱۳۹۲). *بررسی ترانه‌های کار در عشایر. فصلنامه فرهنگ مردم*، (۳۱ و ۳۳) و (۱۶۸-۸۲).
- ضرغامی، اسماعیل. (۱۳۹۵). *بررسی تطبیقی مسکن عشایر ایران. تهران. مجله مسکن و محیط روستا*، (۱۵۵)، ۲۵-۴۰.
- فیلیبرگ، کارل گونار. (۱۳۷۲). *سیاه‌چادر مسکن کوچ‌نشینان جهان در پویه تاریخ*. (ترجمه اصغر کریمی). مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- عزیز، شادی؛ دلپذیر، علی‌رضا و مقدم، پریسا. (۱۳۹۱). *انسان‌شناسی فرهنگی وسیله‌ای برای بررسی عوامل شکل‌دهنده معماری. فصلنامه هویت شهر*، ۶(۱۲)، ۶۱-۷۰.
- گارثویت، جن، راف. (۱۳۷۵). *بختیاری در آینه تاریخ*. (ترجمه مهرباب امیری). انتشارات آزان.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

**نحوه ارجاع به این مقاله**

رنجبر، ناصر و محمودی، مهنوش. (۱۳۹۸). *ریخت‌شناسی سیاه‌چادر در عشایر جنوب غرب ایران (مطالعه موردی: عشایر جنوب استان ایلام و شمال استان خوزستان)*. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۸(۲۷)، ۱۵-۲۶.

DOI: 10.22034/jaco.2020.202202.1119

URL: http://www.jaco-sj.com/article_105123.html

